

# ۲۳۷ - ای مستنیر از انوار ملکوت ابهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۲۳۷ - ای مستنیر از انوار ملکوت ابهی

ای مستنیر از انوار ملکوت ابهی، نفس مشتعلی بنار محبت الله حاضر و در انجمن روحانیان وارد و در حول کعبه مشتاقان طائف و برجوع دیار الهی عازم چون آهنگ رجوع نمود هدیه و ارمغانی از این گمگشته صحرای محبت الله بجهت آن نشئه صهبای عنایت الهی خواست لهذا خواستیم که ارمغانی فرستیم که نفعه خوش رحمانی از آن بمشام رسد و نکهت ریاض معنوی منتشر گردد و این جز ذکر جمال ابهی و محبوب اعلی نخواهد بود، در ظلّ سدره عنایتید و در تحت لحاظ عین رحمانیت، انوار ملکوت ابهی جبروت آفاق را احاطه نموده است و امواج بحر اعظم بر عرصه وجود افاضه کرده فیوضات غمام الهی اراضی حقائق و اعیان را سبز و خرم نموده است و تجلیات شمس حقیقت مشارق و مغارب را روشن کرده است ای احبای الهی شما شمعیهای افروخته دست موهبت الهیه هستید خاموشی نخواهید و افسردگی نجوئید و نهالهای گلشن عنایتید پرمردگی مطلبید و بی برگی نخواهید ای شجر مبارک وقت شکوفه و ثمر است و هنگام میوه تر، در امر الله و محبت الله بثبوت و رسوخی باش که رشک جبل قاف گردی و غبطه قوائم عالم ایجاد شوی اینست ثمر اشجار توحید و ازهار گلزار تفرید آنچه در این عالم فانی مشاهده مینمائی ظلّ زائل است و اوهام باطل عنقریب آنچه دیده میشود هباء منبثا شوند و هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ يَوْمَ مَنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً را مظهر گردند. پس تو ملک باقی طلب و عزّت جاودانی، از افق نورانی جاودانی طالع شو تا چون نجم بازغ ساطع گردی.



ORIGINAL



AUDIO